

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:**
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰۰
• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری
• سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام صادق (ع):
سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش.

تحف العقول، ص ۳۲۰

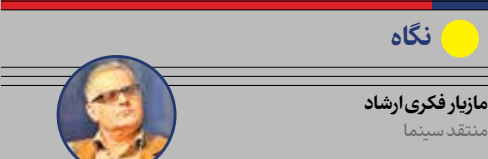
پسِ مرگ چیزی از تو نخواهد گرفت

در رثای یک فیلم ساز مؤلف ایرانی



می خوانید، تازه درمی یابید که فیلمنامه هم می تواند وری متنی برای ساختن و فیلمبرداری، یک فرم ادبی صاحب

فیلمنامه سه جلدی «کوچک جنگلی» که دو، سه سال پیش و با سال ها تأخیر به چاپ رسید، آخرین اثری بود که



نگاه

مازیار فکری ارشاد

منتقد سینما

بر سر مفهوم «سینماگر مؤلف» در سینمای ایران جدل بسیار است. شاید چندتنی انگشت شمار باشند که این لقب برازنده آنان باشد. ناصر تقوایی بی تردید یکی از همین جمع اندک بود.

تقوایی مؤلف بود، چون نه فقط سینما بلد بود، که نوشتن را به معنای واقعی می دانست و تصویر را می فهمید. نه فقط در قامت عکاس، که چیزی فراتر از آن.

به عمق تصاویر فیلم هایش مراجعه کنید. نوشته های کم شمارش اعم از فیلمنامه و داستان کوتاهش را بخوانید تا عمق میدان و تصویرسازی در متن را از او بیاموزید.

سینمای تقوایی و جهان موسیقی

یادداشت



نسیم قاضی زاده

روزنامه نگار موسیقی

استادان بنام موسیقی کلاسیک در ایران محسوب می شد، برای این فیلم موسیقی نوشت. او که با موسیقی ایرانی نیز آشنایی خوبی داشت و از شاگردان خوب مرتضی حنانه بود، چندین ماه به بندر لنگه رفت و در کنار ناصر تقوایی و تیم فیلمسازی زمان گذراند و بعد سراغ ساخت موسیقی اش با بهره گیری از سازهای بومی منطقه رفت تا آنجا که از آنها در تیتراژ و اغلب قطعات استفاده کرد.

در «آرامش در حضور دیگران» و «صادق کرده»، تقوایی سراغ هرمز فرهنگ رفت؛ هرمز فرهنگنی که به عنوان یکی از اولین آهنگسازان حرفه ای موسیقی فیلم در ایران شناخته می شود؛ کسی که تحصیلات عالی موسیقی کلاسیک داشت، موسیقی ایرانی را کاملاً می شناخت، پیش از این برای «گاو» مهرجویی موسیقی نوشته بود و بنابرین تقوایی در سال ۴۹ از او خواست تا برای «آرامش در حضور دیگران» و دو سال بعد برای «صادق کرده» موسیقی بنویسد. فرهنگ که با آواهای موسیقی ملی ایران آشنایی بسیار خوبی داشت، ساخت موسیقی فیلم برای تقوایی را پذیرفت. او در تمام زندگی اش برای ۳ فیلم از مهرجویی و ۲ فیلم از تقوایی موسیقی نوشت. تقوایی با شناختی که نسبت به او داشت، دستش را برای ساخت هر دو موسیقی بسیار باز

نگاه تقوایی به موسیقی فیلم، نگاهی بود از جنس برخورد با یک مقوله صد در صد جدی و مهم؛ آنچنانکه نسل او چنین نگاهی را به موسیقی داشتند. تقوایی اما که دلیل شناخت ویژه و عرفی که نسبت به موسیقی داشت، شکل دیگری سراغ آن می رفت، با آهنگسازان متفاوتی کار می کرد و به موسیقی فیلم، نگاه تألیفی داشت. لیست آهنگسازانی که او در طول عمر حرفه ای اش با آنها همکاری داشته است، به خوبی این واقعیت را اذعان می کند که تقوایی موسیقی را در عالی ترین و جدی ترین وضعیت خود و همواره با صدایی ایرانی می خواست. او سراغ آهنگسازان حرفه ای موسیقی کلاسیک که به موسیقی ایرانی هم تسلط داشتند می رفت و آنها برای او نه تنها موسیقی ارکسترالی استخوان دار می نوشتند بلکه به فراخور هر فیلم، المان های مخصوص فضای فیلم را می گنجاندند. در «ناخدا خورشید» فریدون ناصری که دیرزمانی رهبر ارکستر سمفونیک تهران بود و از

وفاداری به آوای ایرانی

گذاشت و او برای هر دو از موسیقی ایرانی بهره گرفت. تقوایی در «دایی جان ناپلئون» از موسیقی شدیداً قره چه داغی بهره گرفت. قره چه داغی نیز، برای این سریال سراغ سازهای ایرانی در کنار سازهای کلاسیک رفت. وجود تکنوازی هایی از تار، سنتور و گاهی گمانچه و مانور ویژه روی تن اصلی سریال که یک شلوی سنتور بود و مکرراً در سریال تکرار می شد، با ایرانی بودن فضای این اثر، معماری آن، شخصیت ها و شوخی ها همخوانی بسیار داشت. به واسطه دیده شدن بسیار زیاد این سریال و استفاده از ساز سنتور، موسیقی آن بسیار شنیده شد. در «نفرین» او از هنر اسفندیار منفردزاده استفاده کرد و در «کاغذ بی خط» از موسیقی کارن همایون فر بهره گرفت. اما یکی از به یادماندنی ترین موسیقی ها روی آثار تقوایی، «ای ایران» یا موسیقی ناصر چشم آذر است. تقوایی که تمام داستانی را بر پایه جادوی موسیقی و همدلی ای که به واسطه آن اتفاق می افتد، نوشته بود و از حضور چهره ای چون حسین سرشار که با اجرای اپرا آشنایی تخصصی داشت و در فیلم نقش معلم مدرسه را ایفا می کرد، بهره می برد، در سکانس پایانی فیلم، از قطعه ملی مینهی ای ایران بهترین استفاده را کرد تا آنجا که هنوز یکی از خاطره انگیزترین سکانس های سینمای



ایران محسوب می شود.

به جز تمامی موسیقی فیلم ها، تقوایی در مستند هایش هم علاقه وافرش به موسیقی را عیان کرده بود. در مستند «تمرین آخر- تعزیه حر دلاور»، «موسیقی جنوب» و «باد جن» او به صورت خاص، درباره موسیقی گفته بود و ساخته بود. تقوایی چه در انتخاب آهنگساز، چه در انتخاب موسیقی و چه در ساخت مستند هایی با موضوع موسیقی، تلاش کرده بود تا از بالاترین سطح موسیقی بهره ببرد و در عین حال پیوسته به صدای ایرانی فیلم هایش وفادار ماند.

یادداشت



ستار وری

آهنگساز

از سال ها قبل با آثار ناصر تقوایی آشنا هستم؛ هنرمندی بی تکرار در سینمای ایران و خلق آثاری که یک به یک ماندگار شده اند. او در هنر کارگردانی اش کم کار و گزیده کار بود، اما توانست با هر یک از آثارش خوش بدرخشد و البته هنرمندی گزیده گوی و کم صحبت. اما جریان ساز. این کارگردان بزرگ نگاه نافذ،

فیلمسازی که موسیقی را می شناخت

عمیق و متفاوتی به سینما داشت و این دیدگاه او موجب شد سال ۱۳۴۹ با خلق فیلم «آرامش در حضور دیگران» به یکی از جریان سازان موج نو تبدیل شود و مهر تأیید را از آن خود کند. از دیگر آثار بی بدیل، ماندگار و درخشان ناصر تقوایی «دایی جان ناپلئون» است؛ اثری ارزشمند در رسانه ملی ایران. در واقع باید گفت طی این سال ها شاید حتی از زمان تأسیس تلویزیون در ایران تاکنون، کاری به این خوبی و قدرتمند در تلویزیون ملی ایران ساخته نشده بود. زنده یاد ناصر تقوایی علاوه بر اشراف کامل بر حوزه سینما، حوزه موسیقی را هم به خوبی می شناخت و این درک و دریافت در آثار او هویدا بود، مانند موسیقی متن کارهای ماندگاری چون سریال «دایی جان ناپلئون» به آهنگسازی خادم شیدا قره چه داغی یا موسیقی متن فیلم «آرامش در حضور دیگران» به آهنگسازی آقای هرمز فرهنگ یا آثاری که با آقای اسفندیار منفردزاده یا ناصر چشم آذر کار کرده بود و این دیدگاه نشان از شناخت خوب او به موسیقی بود و می دانست آهنگساز را باید به کدام سمت و سو هدایت کند و خروجی لازم را بگیرد. اطلاع دقیق و کاملی دارم هرگاه فیلمنامه ای می نوشت، موسیقی زمینه آن هم می یابست پخش می شد و با یک دلدادگی آن را می شنید. درواقع موسیقی و فیلم بخشی از زندگی زنده یاد ناصر تقوایی بود و هر دو را با گوش جان می شنید و می دید.

از شخصیت اخلاقی او بسیار باید گفت و نوشت، انسانی بسیار اخلاق مدار و بسیار متواضع و فروتن. و این سجایای اخلاقی او را امتیاز از دیگر دوستان و همکارانش کرد. دریایان به ملت بزرگ ایران و جامعه هنری و خانواده زنده یاد ناصر تقوایی تسلیت عرض می کنم و صد حیف و افسوس که یکی دیگر از بزرگان عرصه سینما از میان ما رفت اما نام و هنرش مانا و جاویدان است.

نگاه نافذ ناصر

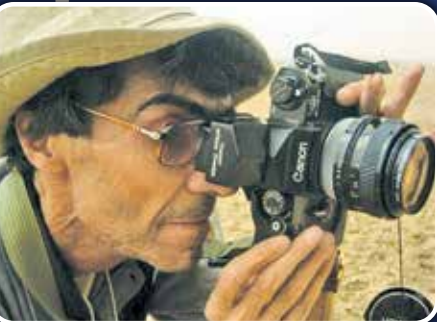
زاویه دید



نادر فوقانی

رئیس انجمن عکاسان سینمای ایران

گفتن از استاد تقوایی کار بسیار دشوار است. برمی گردم به سال ۱۳۸۰، فیلم کاغذ بی خط و در حقیقت آخرین اثر اکران شده استاد تقوایی. روز تست کریم در مرحله پیش تولید و انتخاب بازیگر نوع گرم و لباس و شروع عکاسی من در این فیلم بعد از گذشت سال ها عکاسی فیلم سراسر آموزش و درس پس دادن به استاد. ایشان به قدری حساس به عکس های تست کریم و لباس بودند که



راه نبود، بلکه جوهره نگاهش به جهان بود. در هر فیلم او هنوز آن عکاس جوان بوشهری حضور دارد که جهان را با سکوت و نور می بیند. برای تقوایی، تصویر همیشه پیش از کلمه معنا می آورد و همین راز ماندگاری نگاه او در تاریخ سینمای ایران است.

و چه حیف شد که سال ها که او نفس می کشید و من وامثال من نتوانستیم از او بیاموزیم. ناشی جاودانه.

خورشید، رد پای همان عکاس دقیق دیده می شود. تقوایی به میز آنسنس به چشم ترکیب بندی نگاه می کرد، به نورپردازی به عنوان لحظه ای زنده از طبیعت، و به حرکت دوربین به عنوان امتداد نگاه انسانی اش. او سینما را از دل عکاسی آموخت؛ از درک عمق میدان، از تشخیص لحظه توقف، از اعتماد به سکون و سکوت. قاب های او هیچ گاه شلوغ نیستند، چون از چشم عکاسی آمده اند که می دانست حرف کربن، بخش مهمی از دین است. خود تقوایی گفته بود: «عکاسی می دهد در قاب هر نما باید خودش حرف بزند، بی آن که محتاج توضیح باشد». این جمله، چکیده نگاه او به تصویر است. در سینمای او، روایت در خدمت تصویر است نه برعکس. او به تماشاگر اجازه می دهد در قاب هایش تأمل کند، گوش کند و ببیند. همین ویژگی است که سینمای تقوایی را از بسیاری از فیلم سازان دیالوگ گویاترند و قاب هایی که هریک به تنهایی می توانند یک عکس باشند.

شاید بتوان گفت عکاسی برای ناصر تقوایی تنها آغاز

نگاهی که از قاب عکاسی آغاز شد

درباره عکس های ناصر تقوایی

زاویه دید

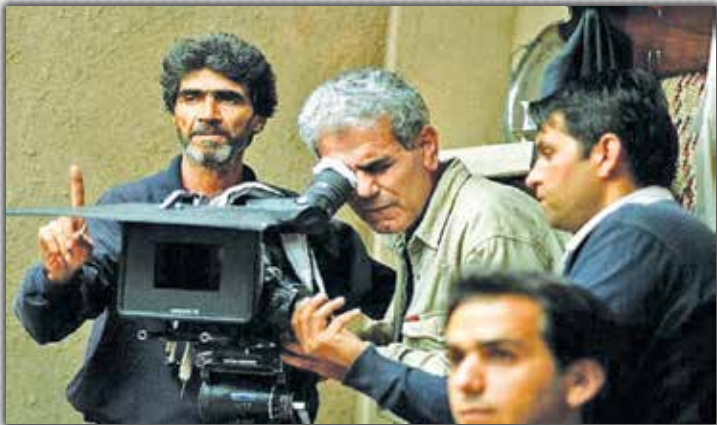


مجید سعیدی

عکاس

یک بیننده می دید، نه یک راوی. همین تجربه، پایه و اساس جهان تصویری او در سینما شد. عکس های تقوایی بیش از هر چیز به انسان و محیط می پردازند؛ انسانی کوچک در برابر پهنه گسترده دریا یا دیوارهای فرسوده بندر. در این قاب ها نوعی توازن میان واقعیت و حس شاعرانه برقرار است. او واقعیت را همان گونه که هست ثبت می کرد، اما با نگاهی که از درونش نوعی نظم و زیبایی پنهان را بیرون می کشید. تقوایی به نور طبیعی، به سایه ها و به سکوت درون تصویر باور داشت. این ویژگی ها بعد ها در فیلم هایش به زبان تصویری تبدیل شد: سکوت هایی که از هزار دیالوگ گویاترند و قاب هایی که هریک به تنهایی می توانند یک عکس باشند.

در فیلم هایش، از آرامش در حضور دیگران تا ناخدا



درباره مستند های ناصر تقوایی

نگاه

هادی افریده

مستند ساز



در میان فیلم سازان نسل درخشان سینمای ایران، نام ناصر تقوایی نه فقط با «ناخدا خورشید» و «دایی جان ناپلئون» که با سینمای مستند هم پیوند خورده است؛ جایی که او پیش از آن که داستانگو باشد، نگاهی جست و جگر، شاعرانه و مردم شناسانه دارد.

تصویر پنهان فرهنگ ایرانی

تقوایی از دل همان جریان مستند سازی برخاست که پایه اش را ابراهیم گلستان گذاشت. آثار برجسته او چون تاکسیمتر، اربعین، باد جن و تمرین آخر نه فقط استاد ارزشمند تصویری یک روزگارند، بلکه اندیشه ای درباره آیین، زیست و فرهنگ ایرانی به شمار می آیند. در مستند «اربعین»، او به سوگواری مردم زادگاهش در جنوب کشور می پردازد ولی به دام کلیشه های فیلم های دینی نمی افتد. نگاه ایرانی او به یک آیین مذهبی، فیلم اربعین را به تجربه ای دیداری و انسانی بدل می سازد. همین نگاه بود که مستند اربعین را ماندگار کرد. در مستند «باد جن»، جغرافیای بومی مردمان جنوب با خرافه ها در قالبی شاعرانه باز تولید می شود؛ مستندی که بیش از هر چیز، تصویری از رویارویی انسان با طبیعت و باورهای بومی است، نمونه ای درخشان از یک مستند

گفتار محور در سینمای مستند ایران که فیلم ساز بر مرز حقیقت و تجربه گرای حرکت می کند. ناصر تقوایی در مستند هایش نه روایت گری از بیرون، بلکه تماشاگر درون است. او فقط مردمان را باز نمیانی نمی کند، بلکه با آنان و در کنارشان زیست می کند. همدان را تجربه می کند؛ نگاهی دقیق که با درکی از زیبایی همراه است. همین نگاه انسانی و هنرمندانه ریشه سینمای اوست که بعدها در آثار داستانی اش باز تولید می شود. امروز که مسیر سینمای مستند کشور از مسیر خلاقیت و دیدگاه های ژرف در فرم و محتوا تهی شده است، ارزش مستند های ناصر تقوایی بیش از پیش آشکار می شود. مرور آثار او یادآور این نکته مهم است که فیلم مستند پیش از هر چیز، کشف است؛ کشف زیبایی در زندگی روزمره، جست و جویی پنهان در زیست تبارها و فرهنگ ایرانی. او به ما آموخت که فیلم مستند، فقط ابزاری برای ثبت حقیقت نیست بلکه روشی بیانی و هنرمندانه است که می توان با کمک آن جهان پیرامون را با نگاهی متفاوت ببینیم و با شرافت ثبت کنیم.